

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال ششم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

ص ۵۷-۷۴

تحلیلی از مبانی و مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی و راهکارهای پیدایش آن در اسلام و عهدجدید

زهره محققیان* مسعود آذربایجانی**

چکیده

در دنیای کنونی، مطالعات تطبیقی بین ادیان، یکی از راه‌هایی است که موجب ایجاد صلح و همزیستی و تقریب بین پیروان ادیان می‌شود. یافتن مفاهیم مشترک می‌تواند اساس گفتگوی شرایع‌الهی و زمینه‌ای جهت رفع سوءتفاهم‌ها و دستیابی به نقاط مشترک باشد. در این راستا، نوشتار حاضر بر آن است که به روش توصیفی تحلیلی، به بررسی مفهوم مثبت‌اندیشی، در متون دینی اسلام و مسیحیت پرداخته و مبانی مشترک و مورد اختلاف این دو حوزه را در موضوع فوق کشف نماید تا بدین وسیله، به تعارف مبانی تعالیم ادیان در راستای تفاهم پیروان آن‌ها کمک کرده‌باشد. برای نیل بدین هدف، ابتدا واژه‌شناسی مفهوم مثبت‌اندیشی در اسلام و مسیحیت انجام شده و سپس راهکارهای ایجاد و تقویت آن، در هر یک ادیان فوق، بررسی گردیده‌است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مفهوم مثبت‌اندیشی در ادیان توحیدی اسلام و مسیحیت از راه کلیدواژه امید قابل پیگیری است که متعلق اصلی این امید، در بینش توحیدی اسلام، خداوند سبحان و در اناجیل سه‌گانه (متی، مرقس و لوقا) و نیز تعالیم پولس، وعده فرارسیدن ملکوت است. در تفکرات یوحنا نیز، مسیح سرچشمه امید به‌شمار می‌آید. البته گرچه پیرامون کیفیت دستیابی به این امید و راهکارهای تقویت آن، در ادیان فوق، اختلافاتی وجود دارد اما به‌طور کلی، امید، در دو حوزه فوق، مرتبط با هدفمندی حیات بشر بوده و در راستای زندگانی اخروی آدمی واقع شده‌است. از آثار و کارکردهای آن نیز، تقویت روح محبت و احسان به سایرین است.

واژه‌های کلیدی

مثبت‌اندیشی، امید، قرآن، عهدجدید، هدف.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

z.mohaghegh89@yahoo.com

mazarbajani@yahoo.com

** دانشیار گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

تاریخ وصول ۹۳/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش ۹۴/۰۸/۰۱

مقدمه

تحولات آن تهی باشد و مستقیم یا غیرمستقیم به اصلاح و بهبود وضع بشر و تحقق آرمان‌های وی در آینده‌ای دور یا نزدیک، نظر نداشته‌باشد. از زمره مشترکات ادیان ابراهیمی، امید به فرارسیدن روزی است که به منزله نقطه آرمانی و عدالت‌خواهانه بشر تلقی می‌گردد. روزی که غلبه نهایی حق بر باطل، به شکل فراگیر شدن نجات و رهایی انسان‌ها دیده می‌شود. امید است که انسان دین‌مدار را تشویق به نیکوکاری و گسترش عدالت در زندگی فردی و اجتماعی می‌نماید و زمینه‌های خیرخواهی و امیدواری را در جوامع بسط می‌دهد.

از سویی دیگر، یافتن مفاهیم مشترک می‌تواند اساس گفتگوی شرایع الهی و زمینه‌ای جهت رفع سوءتفاهم‌ها و دستیابی به نقاط مشترک باشد. رسیدن به این تفاهم، سنگ‌بنای تلاش مشترک معتقدان ادیان الهی برای ساخت دنیای بهتری است که در آن صلح و آرامش حقیقی برقرار است. از این رهگذر، پژوهش حاضر بر آن است که در پرتو بررسی معنا و مفهوم امید در قرآن کریم و عهدجدید و نیز تفاسیر مرتبط با آن‌ها، مبانی مشترک و مورد اختلاف اسلام و مسیحیت را در موضوع فوق کشف نموده تا بدین وسیله به تعارف‌مبنایی تعالیم ادیان در راستای تفاهم پیروان ادیان کمک کرده باشد. امید است این پژوهش، راهگشایی برای دستیابی به هدف فوق باشد و زمینه را برای سایر تحقیقات در دو حوزه فوق، فراهم‌نماید.

۱- واژه‌شناسی

به‌طور کلی مفهوم مثبت‌اندیشی در قرآن کریم از راه کلید واژه‌هایی همچون امید، خوش‌بینی، رحمت، بشارت، توصیف جلوه‌های بهشتی و سایر موارد قابل پیگیری است؛ اما از این میان، کلید واژه «امید»، به دلیل جامعیت و شمولیت آن نسبت به سایر واژگان، تناسب بیشتری با مفهوم مثبت‌اندیشی داشته و علاوه بر حوزه اعتقادات و

در سال‌های اخیر، مثبت‌اندیشی و داشتن نگرشی امیدوارانه نسبت به آینده، بسیار رواج یافته و تحقیقات بسیاری پیرامون آن انجام گرفته‌است. در حوزه روانشناسی، رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بسیاری از محققان روان‌شناسی مثبت‌نگر، به‌جای توجه صرف به تجارب یا ادراک‌های منفی افراد به بررسی سازه‌هایی چون خودکنترلی، تاب‌آوری، معنویت، مثبت‌اندیشی و ... برای مبارزه با ناامیدی پرداخته‌اند. (بهاری، ۱۳۹۰: ۴) در این زمینه سلیگمن، پیش‌گام سایرین بوده و معتقد است خوشبختی یا همان زندگی کامل، شامل سه نوع زندگی است که عبارتند از: الف) زندگی شاد و لذت‌بخش که به هیجان‌های مثبت در گذشته، حال و آینده معطوف می‌شود؛ ب) زندگی با اشتیاق که به توانمندی‌ها و فضیلت‌های آدمی مربوط است؛ ج) زندگی با معنا که در آن قصد و هدف و معنایی برای زندگی منظور می‌شود. سلیگمن معتقد است که وجود این سه نوع زندگی، موجب افزایش خشنودی و رضایت از زندگی و شادی و شادکامی و در نهایت سبب سعادت و خوشبختی فرد می‌شود. (سلیگمن و همکاران، ۱۳۸۳، ترجمه فروزنده داورپناه: ۱۵)

در میان پژوهشگران اجتماعی نیز، آینده‌نگری بسیار حائز اهمیت بوده و تحقیقات بسیاری را به‌خود اختصاص داده‌است. ظلم، ستم و بی‌عدالتی عده‌ای از انسان‌ها توسط عده‌ای دیگر، همواره خرد انسانی را مشغول این فکر کرده‌است که آیا وضعیت بر همین منوال خواهد بود؟ انسان‌ها همواره در طول تاریخ به فراخور خرد و دین خود، در انتظار و آرزومند این بوده‌اند که بالاخره این مسائل، روزی پایان می‌یابد. شاید نتوان در میان ادیان و آیین‌های موجود، نمونه‌ای را یافت که از امید به آینده و

نموده و برای آن در زندگییک فرد مسیحی، نقش خاصی قائل شده‌است. در کتاب مقدس، از دو کلمه امید و انتظار برای رساندن مفهوم مثبت‌اندیشی استفاده شده (بلی برای ما مکتوب است که شخم‌کننده می‌باید به امید، شخم نماید و خوردکننده خرمن نیز، باید در امید یافتن قسمت خود باشد) (۱ قورنتیان ۹: ۱۰). بنابراین مثبت‌اندیشی با امید و انتظار بدست می‌آید، انتظاری که سرمنشأ برکاتی است که آرامش و نجات را در پی دارد. برکاتی که هم در دنیا و هم در آخرت با آدمی است.

از سوی دیگر متکلمان و الهی‌دانان مسیحی از هفت فضیلت اصلی نام برده‌اند: چهار فضیلت انسانی و سه طبیعی (مصلحت‌اندیشی، بردباری، اعتدال و عدالت) و سه فضیلت الهیاتی (ایمان، امید و محبت) که این سه فضیلت الهیاتی مستند به عهدجدید است (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۴). بنابراین مثبت‌اندیشی در الهیات مسیحی یکی از سه عنصر اصلی شخصیت مسیحی و خداپسندانه را تشکیل می‌دهد (سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت) (اقورنتیان ۱۳: ۱۳).

یکی از عقاید محوری در عهدجدید آن است که ما انسان‌ها فراخوانده شده‌ایم که به خداوند، ایمان، باور و امید داشته باشیم، بر او تکیه کنیم، به او اعتماد بورزیم و تنها به او اطمینان داشته باشیم. در حقیقت، باور به خداوند و اطمینان به او همراه با عمل به رفتارهای اخلاقی و عقلانی، تضمینی برای بهبود اوضاع زندگی انسان شمرده می‌شود (لیون دوفر الیسوعی، ۱۹۸۶م: ذیل رجا). اگر شخصی به فردی اعتماد کند، در این صورت، طبعاً گفته‌های او را می‌پذیرد، خواسته‌های او را انجام می‌دهد، به انحراف مختلف با او راز و نیاز می‌کند، امیدوارانه چشم به وعده‌هایش می‌دوزد، اتحاد با او را تجربه می‌کند و... (پلانتینجا، ۱۳۸۱: ۳۳) و این همه، تجلی واقعی آن اعتماد خواهد بود. از این رو می‌توان گفت: در دیدگاه عهدجدید،

باورهای آدمی، به حوزه رفتارها و عملکردهای فرد نیز مرتبط است. بنابراین نوشتار حاضر، مفهوم مثبت‌اندیشی را در هریک از ادیان توحیدی، از راه کلید واژه «امید» پیگیری می‌نماید.

امید، در زبان عربی، به کلمه «رجا» ترجمه شده‌است. «رجا»، یعنی امیدداشتن و انتظار امری محبوب و پسندیده که اکثر اسباب و موجبات آن نیز، محقق باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴؛ ابوفارس: ۱۳۴۹؛ ذیل ریشه کلمه).

در قاموس کتاب مقدس، امید به معنای آرزو و انتظار از برای چیزهای نیک و مقاصد پسندیده‌است (هاکس، ۱۳۷۷: ذیل عنوان امید). در اصطلاح علم اخلاق نیز، به راحتی و لذتی که از انتظار تحقق امری محبوب، در قلب حاصل می‌شود امید می‌گویند. (نراقی، ۱۳۸۳ق: ۱۵۶)

البته مفهوم امید (در لایه‌ی مثبت و منفی)، با کلید واژگان دیگری همچون طمع (تمایل نفس از روی آرزوی شدید به چیزی خارج از دسترس انسان)، أمل (آرزویی که انتظاری طولانی در آن وجود دارد) و تمنی (میل به حصول امری همراه با تقدیر و اندازه‌گیری آن) نیز، مرتبط است (ابو فارس، ۱۳۴۹: ذیل ریشه کلمه) که در بیان تمایز آن‌ها می‌توان گفت: تنها در واژه «رجا» است که فرد امیدوار در راه رسیدن به امیدش، کار و تلاش می‌کند و موجبات رسیدن به امر محبوب را فراهم می‌آورد در صورتی که در سه واژه دیگر، تنها امید رسیدن به امر محبوب را دارد، بدون این که خود را برای حصول به آن، آماده و مهیا گرداند (طیب، ۱۳۷۸: ۵ و ۳۴۴؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۳، ۴۶۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۳، ۳۴۱).

بنابراین منظور از مثبت‌اندیشی در نوشتار حاضر، امید مطلوبی است که آدمی را به کار و تلاش برای رسیدن به هدف وامیدارد.

۲- مثبت‌اندیشی و امید در عهدجدید

کتاب مقدس به مفهوم مثبت‌اندیشی توجه خاصی

امید ریشه در ایمان و اعتماد به خداوند دارد و وصول بدان مشروط به صبر و محبت است. (لیون دوفر الیسوسی، ۱۹۸۶م: ذیل رجا) که امری نسبتاً دشوار می‌نماید؛ زیرا هنگامی که محبت، مبدأ احساسات نفسانی گردید و در باطن آدمی عمیقاً ریشه دوانید، تمایل خاصی را بر می‌انگیزاند که فرد، داوطلبانه با علاقه و شور فراوان برای انجام کارهای نیک و خدمت به اجتماع آماده می‌شود. دیگر، عناد و بدخواهی و طغیان و سرکشی، همچنین بدبینی، ناامیدی و افسردگی در افراد ریشه‌دار نمی‌شود، بلکه متزلزل و ناپایدار خواهد بود؛ زیرا هیچ‌چیز بهتر از این سرمایه‌ی گران‌قدر برای از بین بردن پلیدی‌های نفس، توانایی ندارد.

بنابراین تنها مثبت‌اندیشی‌ای که ریشه در اعتماد به خداوند دارد، می‌تواند به کل حیات و زندگی انسان تحرک و پویایی بخشد و او را به سوی آینده‌ای سعادت‌مند که تمامی بشریت بسوی آن خوانده می‌شوند، سوق دهد. (ایمان خود را حفظ نمایید؛ زیرا اگر چنین کنید، همیشه با خدای پدر و فرزندش، رابطه‌ای نزدیک خواهید داشت و زندگی جاوید که او وعده داده است، نصیب شما خواهد شد.) (ایوحنا: ۲۵-۲۴)

اما اگر شخص نسبت به آینده، بدبین و منفی‌نگر باشد، عوامل ناراحتی در کانون جانش نفوذ می‌کنند و او را دچار یأس و خودباختگی می‌سازند. کسی که بدبین بوده و از سرمایه امید بهره‌ای ندارد، در برابر عوامل نامساعد طبیعت به راحتی آسیب‌پذیر است و بدلیل نداشتن پشتوانه‌ای محکم چون ایمان، خود را اسیر طبیعت و محکوم قوای قهار آن می‌داند و اگر در نخستین صحنه نبرد با مصائب و دشواری‌ها عقب‌نشینی نکند، سرانجام در نقطه مخوف حمله امواج خروشان حوادث روزگار، در گرداب ژرف و عمیقی فرو خواهد رفت. چنین فردی هرگز برای محبت به دیگران، انگیزه‌ای نخواهد داشت و هیچ تلاشی برای رفع

نواقص و کمبودی‌های دیگران نمی‌کند و بزودی در باتلاق ناامیدی و افسردگی همیشگی سرنگون خواهد شد. اما آن‌که مثبت‌اندیش بوده و متکی به امید است، با استمداد از نیروی ایمانش، معتقد است رنج‌های خارج از اختیار انسان، از جانب پروردگار مهربان و برای تطهیر قلب و تهذیب روحش مقدر گردیده، به‌همین دلیل هرگز اجازه نمی‌دهد که مصائب و مشکلات، قدرت روحی او را فلج کنند، بلکه در هر شرایطی متانت خود را همچنان حفظ خواهد کرد و کشتی وجود خود را در هر حادثه‌ای با استمداد از نیروی لایزال الهی، به ساحل آرامش و صفا و موفقیت و سعادت می‌رساند و حتی با سنگینی بار رنج‌ها، کامیابی‌ها و لذت‌های روحی او افزایش خواهد یافت. چنین فردی با گسترش محبت و نیکی میان مردم و تلاش برای خوشبختی آن‌ها، نفس امید را رشد می‌دهد و با خیرات و برکات اخلاقی و عملی آن‌را اعتلا می‌بخشد.

البته مفهوم مثبت‌اندیشی و داشتن نگرش مثبت به آینده، در عهدجدید، با مفاهیم و اصطلاحات دیگری نظیر «ملکوت»، «نجات»، «رستگاری»، «آمرزیدگی» و «منجی‌گرایی» نیز، پیوند یافته است؛ به‌گونه‌ای که هنگام بحث در زمینه مثبت‌اندیشی، خواه ناخواه از دیگر مفاهیم نیز، سخن به میان می‌آید که بنا به گنجایش پژوهش، هریک از مباحث فوق، تبیین گردیده است. در واقع، زمینه اصلی مثبت‌اندیشی، هم به وجه روحی و آرمان‌خواهی بشر باز می‌گردد و هم به تعالیم و آموزه‌هایی که در متون دینی ادیان الهی انعکاس یافته است.

استناد اصلی ما در این قسمت، متن عهدجدید و برخی از آثار معتبر محققان غربی در این زمینه است که در چهاربخش مجزا ارائه گردیده‌اند: اناجیل سه گانه (متی، مرقس و لوقا)، تفکرات یوحنا، اندیشه‌های پولس و فرقه‌های مسیحیت و اندیشه علمای متأخر. علت این تقسیم‌بندی نیز آن است که این مجموعه (عهد جدید) به

سختی‌هایی که گریبان‌گیر شماست، حیران و متعجب نباشید و فکر نکنید که امری غریب بر شما واقع شده است؛ زیرا این مصائب برای آزمایش ایمان شماست. امیدوار باشید که به این طریق می‌توانید در رنج و زحمت مسیح، شریک شوید و در روز بازگشت پرجلال او (ملکوت)، امید شما کامل خواهد شد (۱ پطرس ۴: ۱۳). به‌همین دلیل عیسی (ع) یکی از اهداف رسالت خود را بشارت به قرب ملکوت اعلام می‌دارد و از مردم می‌خواهد که برای وارد شدن به ملکوت و دستیابی بدین امید والا، تلاش کنند.

این ملکوت که در اناجیل سه‌گانه، بسیار تکرار شده، گاه به خداوند اسناد داده می‌شود و از آن خداست (متی، ۴: ۱۷)، گاه ملکوت آسمان (متی، ۵: ۳) و گاه نیز ملکوت خود عیسی مسیح است (متی، ۱۶: ۲۸). البته ملکوت، معانی گوناگونی دارد: آسمان، یعنی ارتباط با عرش و ملائعلی (متی، ۵: ۱۷-۱۹)، رجعت ثانوی مسیح (متی، ۱۶: ۲۷) و.... اما از آن‌جا که حقیقتی روحانی است و تنها به واسطه ایمان می‌توان بدان رسید (لیون دوفر الیسوعی، ۱۹۸۶: ۳۷۱)، از این‌رو بخش عمده معنای آن، در اناجیل سه‌گانه، واقع در عالم غیب است که تنها با بصیرت قابل مشاهده است (استید، ۱۳۸۰: ۱۹۳).

اما مسئله مهم در شناخت روح امید و مفهوم مثبت‌اندیشی، توجه به وقایع ملکوت در اناجیل است که بیشتر به زبان تمثیل بیان گردیده‌اند و شامل جدایی خوبان از بدان در آخرالزمان (متی، ۱۳: ۲۴-۳۰؛ ۱۳: ۴۳-۳۶) و دادن جزای انسان‌ها مطابق با اعمال ایشان (متی، ۱۸: ۲۳-۳۵) می‌شود. از نشانه‌های وقوع ملکوت در وجود عیسی (ع) (لوقا ۱۱: ۳۲-۲۹)، معجزاتی بود که توسط او همراه بیان آن نشانه‌ها، رخ می‌داد؛ زیرا به دنبال آن، تسلط ابلیس از بین می‌رفته و ارواح ناپاک خارج می‌شده‌اند (متی، ۱۲: ۲۸-۲۷). پس وظیفه یک شخص مسیحی است که

لحاظ الهیاتی، یکنواخت نیست. در واقع، از این مجموعه دو نظام الهیاتی کاملاً متفاوت را می‌توان برداشت کرد: الهیات سه‌انجیلی متی، مرقس و لوقا که اناجیل هم‌نوا خوانده می‌شوند و نیز برخی از نوشته‌های دیگر، همگی همسو با تعالیمیهودیت و عهدقدیم است. در این بخش، عیسی، مخلوق خدا و بنده او و یک انسان صرف است که از طرف خداوند به پیامبری مبعوث شده است. مطابق این بخش، از آن‌جا که سقوطی رخ نداده، آدمی به هدایت و راهنمایی نیاز دارد نه منجی آسمانی. اما در بخش دیگر از عهدجدید، وضعیت آدمی به‌گونه‌ای است که حتماً به موجودی آسمانی نیاز دارد که به زمین بیاید و خود را فدا کند تا نجات را برای او تسهیل نماید. بنابراین در این بخش، عیسی، موجودی الهی و غیرمخلوق و ازلی است که جسم گرفته تا با رنج خود، انسان را از وضعیت اسفبار خود نجات دهد و امید را در او ایجاد نماید (استید، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

الف) اناجیل سه‌گانه هم‌دید (متی، مرقس و لوقا)

اناجیل سه‌گانه یا هم‌نوا (متی، مرقس و لوقا) حاوی تعالیم عیسی (ع) پیرامون القای روح امید و نگرش مثبت، نسبت به آینده در میان مردم است. اساسی‌ترین محور امیدبخشیا متعلق اصلی مثبت‌اندیشی در این تعالیم، که در راستای تکمیل امید شریعتیهود نیز می‌باشد، وعده فرارسیدن ملکوت است که مرتبط با هدفمندی حیات بشر و در راستای زندگانی اخروی اوست. در انجیل متی آمده: (هرگاه به خاطر من، شما را ناسزا گفته و آزار رسانند و به شما تهمت زنند، شاد باشید. بلی، خوشی و شادی نمایید؛ زیرا ملکوت نزدیک است) (متی ۵: ۱۱-۱۲). در جایی دیگر، علاوه بر آن‌که سختی‌ها، آزمایش ایمان شمرده می‌شود، امیدوار بودن، نوعی شرکت در رنج و زحمت مسیح تلقی می‌گردد: (ای عزیزان! از آزمایش‌ها و

بدان امید و ایمان داشته باشد تا هدایت شود. (مرقس، ۱:۱۵)

اما در بیان چگونگی رسیدن به این امید (ملکوت) و در جریان آماده‌سازی مردم جهت وقوع آن، حضرت عیسی (ع) اولین چیزی که از مردم می‌خواهد این است که از گناهان گذشته توبه و بسوی خدا باز گردند (از گناهان خود توبه کنید و نزد خدا بازگشت کنید، زیرا ملکوت خدا نزدیک شده است) (متی، ۴: ۱۷). دیگر آثار چنین نگرشی عبارتند از: پاک‌سازی خویشتن (۱، پطرس ۴: ۷)، خویشتن‌داری و پرهیز از گناهان (متی، ۱۸: ۵؛ پطرس، ۱: ۱۴-۱۳)، تواضع و فروتنی (متی، ۱۸: ۴)، عدم دلبستگی به مظاهر زندگی دنیوی (متی، ۱۹: ۲۳)، رهایی از شهوات و خوش‌گذرانی‌های گناه‌آلود (تیطوس، ۲: ۱۲)، بهره‌مندی از صفات و مظاهر الهی حضرت عیسی (ع) (پطرس، ۱: ۴) و... . همچنین امیدواربودن و داشتن نگرش مثبت به زندگی و آینده، آدمی را به سوی صبر (یعقوب، ۵: ۹-۷؛ متی، ۵: ۱۲)، ارتباط با خالق (دعا) (یعقوب، ۵: ۱۶) و نیز ارتباط با خلق (محبت) سوق می‌دهد (پطرس، ۴: ۹-۷؛ لوقا، ۶: ۳۵). از این رو برای آدمی همچون لنگری است که به هنگام هجوم طوفان‌های سهمگین زندگی، او را ثابت و استوار نگه می‌دارد و در پرتو ایجاد و تقویت روح امید در نهاد انسان، نشاط و طراوتی عمیق و راستین، سراسر زندگانی آدمی را در بر می‌گیرد: (خداوند به ما وعده کمک داده و در مورد آن، قسم نیز خورده است. پس ما می‌توانیم در مورد این دو عامل، وعده و قسم، امید داشته باشیم... امید کاملی که ما به نجات خود داریم، برای جان ما همچون لنگری است نیرومند که به هنگام طوفان‌ها ما را ثابت نگه می‌دارد و رابطه ما را با خدا حفظ می‌کند... مسیح جلوتر از ما وارد این جایگاه شده تا در مقام کاهن اعظم، همپایه ملک صادق، برای ما شفاعت کند) (عبرانیان، ۷: ۲۰-۱۸).

ب) تعالیم یوحنا پیرامون امید و القای نگرش مثبت نسبت به آینده

امید به خداوند و انتظار بازگشت به سوی او یکی از مهم‌ترین تعالیمیوحنا جهت القای روح امید و خلق نگرش مثبت نسبت به آینده در میان مردم است (خاطرتان آسوده باشد. شما که به خدا امید دارید به من نیز امید داشته باشید. نزد پدر من خدا، جا بسیار است. من می‌روم تا آن‌جا را برای شما آماده کنم وقتی همه چیز آماده شد، باز خواهم گشت و شما را خواهم برد تا جایی که من هستم، شما نیز باشید) (یوحنا، ۱۴: ۳). بنابراین یوحنا همواره می‌کوشد تا از طریق تقویت روح امید در میان مردم، ایشان را به زندگی جاوید و برخورداری از مزایای آن رهنمون سازد. اما نکته حائز اهمیت در تعالیمیوحنا آن است که مسیح، عامل ایجاد امید است و هرکس به خداوند امید دارد، باید به مسیح نیز امید داشته باشد. در بخشی از انجیل او چنین آمده: (خواست خداوند چنین است که هرکس فرزند او را دید و به او ایمان آورد و امید بست، از همان وقت زندگی جاوید بیابد و من در روز قیامت او را زنده کنم) (یوحنا، ۶: ۴۰-۳۹). این عبارت یوحنا می‌رساند که مسیح، سرچشمه امید برای تمام موجودات زنده است چراکه با امیدداشتن به او، زندگی جاوید و آرامش ابدی از همان لحظه برای آدمی هویدا می‌گردد (شهادت خداوند این است که او به ما حیات و زندگی جاوید عطا کرده و این حیات در فرزند او، عیسی مسیح است. پس روشن است که هرکس، مسیح را دارد به این حیات، از هم‌اکنون دسترسی دارد اما هرکه مسیح را ندارد، از این حیات بی بهره خواهد ماند) (یوحنا، ۵: ۱۳-۱۱) (میلر، ۱۳۱۹: ۳). در حقیقت حیات بخشی مسیح به تمام موجودات به مفهوم فدا و واقعه رستاخیز او از مردگان اتکا دارد که برای نجات مردم، به صلیب آویخته شد و مجازات گناهان بشر را تحمل نمود (اول یوحنا، ۴: ۹).

نیست، بلکه بهره‌مند شدن از نیکی، آرامش و شادی است که روح‌القدس عطا می‌کند (رومیان، ۱۵: ۱۷). از این رو ملکوت مکانی است که خدا آن را برای کسانی که ویژگی‌ها و صفات وارثین ملکوت را در خود رشد دهند، آماده نموده است. در واقع آنچه را که پولس از ویژگی‌های ملکوت به عنوان مکان ذکر می‌کند، همان صفات بهشتی است که خداوند برای بندگان مؤمن خود آماده ساخته است. شاید معنای اصلی ملکوت در کلام پولس، همان مُلک و مملکت باشد که از آن خداوند و عیسی مسیح (ع) است و از دیگر معانی ملکوت که در اناجیل ذکر شده، سخنی به میان نمی‌آورد.

از سوی دیگر، از منظر پولس، خداوند که سرچشمه تمامی امیدهاست (قرنیتان، ۱۳: ۱۱) برای نجات انسان گناهکار و دخول او در ملکوت، چاره‌ای ندید جز آنکه خود را به صورت عیسی مجسم کند تا بتواند مستقیماً به هدایت و ارشاد انسان‌ها همت گمارد و خانه امید آن‌ها را از نو پایه‌ریزی کند. البته رسیدن به این هدف، فرایندی است که نظم و روش ویژه‌ای دارد و باید مراحل زیر طی شود: ۱- برگزیدگی: طبق نظر پولس، خداوند به سبب محبت خود نه نیکی بندگان، برخی از مردم را جدا ساخته و آن‌ها را برای حیات ابدی معین فرموده است (واتسون و دیگران، ۱۲۹۸: ۱۳۷)؛ زیرا در پیشگاه او همه فاسد و گناهکارند (رومیان ۳: ۲۴-۲۳؛ رومیان، ۱۱: ۷-۶) (تیسین، بی‌تا: ۲۴۵). ۲- دعوت: هدف از دعوت الهی این است که ما انسان‌ها از گذشته خود توبه کنیم (اعمال، ۲: ۳۸) و به خدایگانه ایمان بیاوریم (رومیان، ۱۰: ۹) و تنها به او امید داشته باشیم تا در سایه این دو، اصلاح شده، کارهای خوب انجام دهیم و به نجات و رستگاری برسیم. خداوند با عمل پرفیض خود، از مردم می‌خواهد نجاتی را که در مسیح است با ایمان قبول کنند. او از همه دعوت می‌کند، اگرچه می‌داند که عده‌ای آن را نمی‌پذیرند (خاچیکی،

رومیان ۵: ۸، اول قرنیتان ۵: ۷، میلر، ۱۹۵۳م: ۲۸). این فداکاری او، نوعی تقارن و توازن با حیات بخشیدن به ایمان داران و ایجاد امید دوباره در ایشان دارد (والوورد، بی‌تا: ۱۶۷).

اما از آثار و کارکردهای چنین امید و نگرشی، تقویت روح محبت و احسان به سایرین است: (اگر به خداوند امید داریم و او را دوست می‌داریم، باید حکم او را نیز اطاعت کنیم و حکم او از ابتدا این بوده که به یکدیگر محبت نماییم) (۲ یوحنا: ۶). به همین دلیل کسی که به مسیح امید دارد، محبت او به سایرین نیز، بیشتر و کامل‌تر می‌شود (یوحنا ۳: ۱۹) و در روز داوری، نه تنها بدبین، ناامید و شرم‌نده نخواهد بود بلکه با روحی سرشار از امید در پیشگاه او حاضر خواهد شد (۱ یوحنا ۱۸: ۴-۱۷) در حالیکه کسانی که به او امید ندارند و منفی‌نگر و بدبین هستند، چون به خداوند که فرستاننده اوست امید ندارند، از همین اکنون در محکومیت و تاریکی بسر می‌برند و فرجامی جز تباهی و ناامیدی نخواهند داشت (۱ یوحنا ۳: ۱۴).

ج) تعالیم پولس پیرامون امید و القای نگرش مثبت نسبت به آینده

در تعالیم پولس، محور اساسی تمامی تعالیم و نیز متعلق اصلی امید و روح مثبت‌نگری، فرارسیدن ملکوت و دستیابی به آرامش ابدی و حیات جاودان است با این تفاوت که در کلام پولس، مالکیت ملکوت تنها از آن خداوند نیست، چنانکه از آن مسیح هم نمی‌باشد، بلکه ملکوت برای هر دو، یعنی خداوند و مسیح است (محمدیاسین، بی‌تا: ۱۴۸). به همین دلیل امید به آن، تنها راه نجات آدمی محسوب می‌گردد.

اما پولس ماهیت و چیستی ملکوت را بدین‌گونه بیان می‌کند: (هدف زندگی ما مسیحیان، خوردن و آشامیدن

۱۹۸۲م: ۹۳). ۳- تجدید حیات: با قبول دعوت الهی و داشتن امید و نگرش مثبت نسبت به او، روح القدس در قلب انسان حیات نویی را می‌دهد (اقرنتیان، ۱۵: ۵۱) و تجدید حیات رخ می‌دهد (هورن، ۱۳۶۱: ۸۲)، یعنی نفس بعد از آن، به جای تمایل به شرارت و بدی، به قداست متمایل گشته، حیات الهی در او متبلور می‌گردد (لامیرکانی، ۱۸۸۸م: ۲، ۳۳۰) و عادل شمرده می‌شود (تیسین، بی تا: ۲۶۱). در نتیجه، شخص عضو جدیدی از اعضای خانواده خدا و فرزند او می‌گردد (خاچیکی، ۱۹۸۲م: ۹۷؛ فرلای، ۱۳۶۱: ۸۲) و با جسمی تازه که فناپذیر و از بین نرفتنی است (بدنی آسمانی) وارد ملکوت خداوند می‌شود و شایستگی زندگی جاوید را پیدا می‌کند (اقرنتیان، ۱۵: ۵۰) و از برکات آن استفاده می‌نماید (تیسین، بی تا: ۲۷۳؛ فرلای، ۱۳۶۱: ۸۲). بنابراین تا انسان‌ها به واسطه فیض خدا از نو متولد نشوند، نمی‌توانند ملکوت خدا را مشاهده کنند (خاچیکی، ۱۹۸۲م: ۶۶-۶۵).

از این رو، می‌توان فرایند دخول در ملکوت، تحقق امید مسیحی و رسیدن به آرامش ابدی را، طبق عقاید پولس بدین شکل نشان داد: نقشه خدا برای رستگاری - برگزیدگی - تجسد - دعوت - تجدید حیات - عادل شمردگی، فرزندخواندگی - برخوردار شدن از حیات جاودانی (دخول در ملکوت و رسیدن به آرامش ابدی) (آزادیان، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۱). بنابراین در مسیحیت، امید با فیض الهی همراه است که خداوند به اراده خود به انسان‌ها می‌دهد. بدیهی است چنین امیدی، مثبت‌اندیشی و داشتن نگرش مثبت نسبت به آینده را در وجود آدمی ایجاد و متبلور می‌گرداند.

همچنین یکی دیگر از اعتقادات پولس در مقابل حواریون که ایمان تنها به مسیح را برای رستگاری و رسیدن به آرامش کافی نمی‌دانستند و بیش از حد بر

اجرای شریعت تأکید داشتند، این بود که تنها ایمان است که آرامش را به دنبال دارد نه ایمان به همراه عمل. به همین دلیل بسیار تلاش نمود تا آنان را از این گمان که از راه اعمال شریعت نجات حاصل می‌شود، در آورد. در حقیقت پولس صریحاً اعمال شریعت را ناکارآمد توصیف می‌کند؛ زیرا معتقد است آدمی در مقام عمل نمی‌تواند به طور کامل حق شریعت را ادا کند و آنچه موجب رسیدن به آرامش ابدی است، عمل کامل به شریعت است نه ادعای شریعت و از آنجا که احکام شریعت نیز، به طور کامل اجرا نمی‌شود (غلاطیان، ۳: ۱۳-۱۰) و هیچکس نمی‌تواند آن‌ها را بطور کامل اجرا نماید. از این رو هیچکس از راه عمل به آرامش نخواهد رسید و تنها در پرتو ایمان است که آسایش و راحتی فراهم می‌گردد (هرکه به مسیح ایمان داشته باشد، هرگز ناامید نخواهد شد) (رومیان، ۱۰: ۱۱). اندیشه نجات از راه شریعت از دیدگاه پولس، مذهب را به تجارت و داد و ستد تبدیل می‌کند چون (برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راه فیض، بلکه از راه طلب محسوب می‌شود) (رومیان، ۳: ۴) (هوردرن، ۱۳۶۸: ۱۰-۱۱)

اما مشوق و محرک این نگرش پولس و آنچه سبب تحکیم آن در انسان می‌گردد، به یاد آوردن و به خاطر داشتن محبت مسیح به انسان‌هاست (محبت خود را در ما ثابت می‌کند از این که هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. پس چقدر بیشتر الآن که به خون او عادل شمرده شدیم، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت؛ زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن به وساطت حیات او نجات خواهیم یافت و نه همین فقط، بلکه در خدا هم فخر می‌کنیم. به وسیله خداوند ما عیسی مسیح که به وساطت او الان صلح یافته‌ایم) (رومه، ۵: ۱۱-۸). با در نظر گرفتن

می‌دانند، یعنی نوعی حالت بیرونی که به نوعی تیرئه اشاره دارد نه نوعی ویژگی درونی که به مفهوم اخلاقی عدالت اشاره داشته باشد (تونی لین، ۱۳۸۶: ۲۶۰؛ مفتاح، ۱۳۸۵: ۳۰).

همان‌گونه که در ابتدای این مبحث نیز بازگو شد، امید در الهیات مسیحی به عنوان یکی از سه فضیلت الهیاتی، دارای نقشی محوری است و یکی از سه عنصر اصلی شخصیت مسیحی و خداپسندانه را تشکیل می‌دهد: (سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت یا عشق) (قرن‌تین، ۱۳: ۱۳). گرچه الهیات به تدریج از نظریه اخلاق تفکیک شده، اما امید برای نخستین بار نقش مهمی را در نظریه اخلاق آگوستین ایفا کرد، یعنی جایی که به عنوان یکی از سه فضیلت الهیاتی نمایان شد. بنا به گفته آگوستین، فضیلت امید فقط فرع بر ایمان است و رابطه‌ای برابر با عشق دارد: یعنی هیچ عشقی بدون امید نیست و هیچ امیدی بدون عشق نیست و عشق و امید، هیچ‌کدام بدون ایمان نمی‌توانند باشند (استراترن، ۱۳۸۵: ۱۸). همچنین یکی از موضوعات اساسی در تفکر آگوستین که برگرفته از تفکرات انحرافی پولس نیز می‌باشد، سقوط بشر است. انگاره سقوط، بیانگر این اندیشه است که بشر از جایگاه پاک اولیه خود سقوط کرده و در ناامیدی و یأس به سر می‌برد و به مدد ابزارها و امکانات خود نیز، نمی‌تواند خود را نجات دهد. از این رو خدا در حل این بن بست، دخالت می‌کند و از سر عشق به بشر، خود را در شخص عیسی مسیح قرار می‌دهد تا او را رهایی بخشد و بار دیگر خانه امید را در او پایه‌ریزی کند. بنابراین بازخرید، موهبتی الهی است و خداوند، آغازگر فرایند رستگاری و بنیانگذار خانه امید در آدمی است (مک گراث، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۴).

اکویناس، از الهی‌دانان مسیحی در میان کاتولیک‌ها، برای ایجاد امید در آدمی، بر نقش اراده در حرکت به

چنین محبتی (محبت مسیح به انسان‌ها)، سایر آمال و آرزوهای دنیوی ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند و هیچ ارزشی ندارند (اما آنچه مرا سود می‌بود، آن را به خاطر مسیح زیان دانستم. بلکه همه چیز را زیان کردم و فضله شمردم تا مسیح را دریابم) (فیلیپی، ۳: ۸-۷) و آرامش مورد انتظار از همین اکنون در نهاد انسان شکل می‌گیرد (قرن‌تین، ۳: ۱۸) و با امید دستیابی به زندگی جاوید، تمامی رنج‌ها فراموش و یا قابل تحمل می‌شوند (قرن‌تین، ۴: ۱۸). در کل چنان امید، نشاط و طراوتی در زندگی انسان ایجاد می‌گردد که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست؛ زیرا آدمی امیدوار است پاداشش را از مسیح دریافت کند. بنابراین (ما با امید نجات یافته‌ایم و امید، یعنی انتظار دریافت چیزی که هنوز نداریم. پس وقتی برای دریافت چیزی که هنوز رخ نداده، به خداوند امیدواریم، باید با صبر و حوصله منتظر آن بمانیم) (رومیان، ۸: ۲۵-۲۴).

پس طبق تعالیم پولس، متعلق اصلی امید و داشتن نگرش مثبت نسبت به آینده، ملکوت و دستیابی به حیات جاودان است که به واسطه ایمان به مسیح، انتظار، صبر و حوصله تحقق می‌یابد. مشوق و محرک این امید و آنچه سبب تحکیم آن در درون آدمی می‌گردد، یادآوری لطف الهی به انسان‌ها و محبت مسیح به آن‌ها است.

د) تفکرات اندیشمندان مسیحی پیرامون امید و القای نگرش مثبت نسبت به آینده

مفهوم مثبت‌اندیشی و امید به آینده، به واسطه تعالیم عیسی و نیز اعتقادات پولس، در فرقه‌های مسیحیت و اندیشه‌های علمای آن‌ها به گونه‌هایی متفاوت ظهور کرده است. برخی محققان کاتولیک، آمرزیدگی و ایجاد امید دوباره در بشر را، به معنای عادل شدن و بیشتر محققان پروتستان آن را به معنای عادل شمردن

به تحصیل خیر اعلی است که مستلزم قانون اخلاقی است(همان).

ارنست بلوخ، ملقب به فیلسوف امید که تأثیر عمیقی نیز بر مکتب فرانکفورت داشت، امید دینی و آرمانشهرهای دینی، خاصه آرمانشهر مسیحی ملکوت خداوند را، عالی‌ترین ظهور ناخشنودی و عصیان علیه وضع موجود می‌داند. در حقیقت بلوخ در اندیشه منجی‌ای است که انتظار دارد در آینده‌ای دور، از ذات هستی برون جهد و وظیفه آدمی آن است که در جهت کمک به این منجی، نیروهایش را گرد آورد و خود را از چنگ واقعیت برهاند. مارسل نیز، معتقد است مثبت‌اندیشی و امید، راهی برای رهایی از تنگناهای زندگی(مرض، جدایی، غربت و بندگی و...) و نجات از سختی‌های آن است، چراکه این تنگناها و رنج‌ها، خود علت و انگیزه بالقوه ناامیدی هستند و آدمی در چنبره آن‌ها، خود را می‌بازد و به‌ورطه ناامیدی و منفی‌بافی فرو می‌افتد(همان).

از دیدگاه پلاگیوس، راه ایجاد امید، در درون بشر قرار دارد و هریک از افراد بشر قابلیت آن را دارند که امید را در خود ایجاد و پرورش داده و خود را رستگار سازد. چنین نیست که آنان در دام گناه و ناامیدی افتاده باشند، بلکه می‌توانند هر چیزی را که برای رستگاری خود لازم است، انجام دهند و امید خویش را تقویت نمایند، چراکه انسان، آزادی کامل دارد و سقوط آدم، تنها در خودش تأثیر داشت نه در دیگران(هوردن، ۱۳۶۸: ۲۱). در نگاه پلاگیوس رستگاری و رسیدن به آرامش ابدی، به‌واسطه اعمال نیک بدست می‌آید و همین خواسته خداوند از بشر است و آدمی باید به‌واسطه اعمال نیک، روح امید را در خویش تقویت نماید. اما این عقیده در شورای کارتاژ در سال ۴۱۸ محکوم شد(مک‌گراث، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۶).

در نگاه مارتین لوتر، بنیان‌گذار مذهب پروتستان نیز،

سوی خدا به‌وسیله ایمان و انتقال از حالت گناه و ناامیدی به حالت عدالت توجه دارد و لطف الهی را عامل اصلی ایجاد امید در آدمی می‌داند. او همانند آگوستین، اراده انسان را برای ایجاد امید در خویش ضعیف نمی‌داند و منکر نیست که انسان بتواند از راه عمل به دستورات اخلاقی عهدعتیق، به ایجاد امید و از آن‌جا به عدالت دست پیدا کند ولی در مقایسه با آمرزیدگی موهوبی، آن را اطمینان‌بخش نمی‌داند و بر لطف و آمرزیدگی موهوبی تأکید می‌ورزد(تونی لین، ۱۳۸۶: ۲۱۰-۲۱۴؛ مفتاح، ۱۳۸۵: ۳۰).

اما در عصر روشنگری، اخلاق از الهیات تفکیک شد. به همین دلیل امید نیز، از اهمیت کمتری در علم اخلاق برخوردار گشت. با این وصف، سه استثنا بر این گرایش عام به چشم می‌خورد: ایمانوئل کانت، ارنست بلوخ و گابریل مارسل. در مکتوبات هر یک از ایشان به مانند آگوستین، میان امید و اخلاق از یک‌سو و دین و ایمان از سوی دیگر، ربطی وثیق وجود دارد.

در نگاشته‌های سیاسی و اخلاقی ارنست بلوخ و گابریل مارسل، امید نقشی اساسی ایفا می‌کند. بلوخ، «امید» را با حسرت و اشتیاق به اتوپیا(آرمانشهر / ناکجا آباد) مربوط می‌داند، حال آنکه مارسل «امید» را همچون نوعی آمادگی برای استعلاجستن از موقعیت‌هایی می‌داند که آدمی را به تسلیم شدن به ناامیدی وسوسه می‌کنند. در نزد هر کدام از این نویسندگان همانند آگوستین، ارتباط میان امید از یک‌سو و ایمان و عشق از سوی دیگر به قوت خود باقی است. با این حال، کانت و بلوخ، مقولات فوق را مخالف عقل نمی‌دانند، بلکه می‌کوشند تا آن مقولات را ذیل عقل بگنجانند(استراترن، ۱۳۸۵: ۱۸).

کانت در نظریه اخلاقی خود با طرح نظریه اصول موضوعه، برای امید جایگاهی ویژه قائل شد. به عقیده کانت امید غایی، امید به وصال خداوند نیست، بلکه امید

ابدی می‌انجامد بدین شرط که امکاناتی که در توانایی ماست، تحقق یابد. بدین غایت نه فقط پس از مرگ، بلکه در همین زندگی می‌توان دست‌یافت گرچه در دوره کنونی زندگی بشر، تنها عده اندکی در همین جهان بدان وصول می‌یابند (استراترن، ۱۳۸۵: ۱۸).

بنابراین متعلق اصلی مفهوم مثبت‌اندیشی و امید به آینده، در اناجیل سه‌گانه (متی، مرقس و لوقا) و نیز تعالیم پولس، وعده فرارسیدن ملکوت است که مرتبط با هدفمندی حیات بشر و در راستای زندگانی اخروی اوست، البته معنای اصلی ملکوت در کلام پولس، همان مُلک و مملکت است که از آن خداوند و عیسی مسیح (ع) است و از دیگر معانی ملکوت که در اناجیل سه‌گانه ذکر شده، سخنی به میان نمی‌آورد. همچنین در تعالیم پولس، تا انسان‌ها به واسطه فیض خدا از نو متولد نشوند، نمی‌توانند ملکوت خدا را مشاهده کنند. بنابراین، تنها ایمان است که آرامش را به دنبال دارد نه ایمان به همراه عمل صالح. در حالی که از منظر اناجیل سه‌گانه امید، آدمی را به سوی صبر (یعقوب، ۵: ۹-۷؛ متی، ۵: ۱۲)، ارتباط با خالق (دعا) (یعقوب، ۵: ۱۶) و نیز ارتباط با خلق (محبت) سوق می‌دهد.

در تعالیم یوحنا نیز امید به خداوند و انتظار بازگشت به سوی او یکی از مهم‌ترین مفاهیم جهت القای روح مثبت‌اندیشی در میان مردم است. مسیح، عامل القای امید و ایجادکننده نگرش مثبت است و هرکس به خداوند امید دارد، باید به مسیح نیز امید داشته باشد. از آثار و کارکردهای چنین امیدی، تقویت روح محبت و احسان به سایرین است.

۳- مفهوم مثبت‌اندیشی در آموزه‌های قرآن کریم

مسئله داشتن نگرش مثبت نسبت به آینده در قرآن کریم، به‌طور مکرر و به شیوه‌های مختلف، بیان

رسیدن به آرامش ابدی از راه ایمان و امید است. مراد لوتر از آموزه ایمان، به تعریف او از ایمان مربوط می‌شود. ایمان، یعنی اعتقاد به این نکته که مسیح زاده شد و به واسطه عمل نجات، امید را در بشر ایجاد نمود و دیگر این که ایمان، یعنی اعتماد به وعده‌ها و امیدهای خداوند که معترفان را می‌بخشد (براون، ۱۳۷۵: ۳۷-۳۶؛ مک‌گراث، ۱۳۸۴: ۲۳۸-۲۳۴). این آموزه، اساس و محور نهضت اصلاح دینی او بود. او می‌گفت همراه با پولس بیان می‌کنیم که به‌وسیله ایمان، عادل شمرده می‌شویم و به آرامش ابدی نائل می‌گردیم نه به‌وسیله شریعتیا محبت. البته نه بدین معنا که منکر اعمال نیک باشیم، بلکه به دلیل آنکه ما نمی‌توانیم خود را از شیطان برحذر داریم (تونی لین، ۱۳۸۶: ۲۶۰). عادل شمردگی توسط ایمان، به معنای این است که بر اساس صلیب مسیح، می‌توان امید داشت که به انجام کارهای نیکو توانا گردیم، ولی کارهای نیکو، به منظور کسب تأیید الهی و پذیرفته‌شدن از سوی او نیست، بلکه واکنش داوطلبانه و محبت‌آمیز فرزندان خدا نسبت به او به‌شمار می‌آید (همان: ۲۶۶). اما بعدها شورای ترنت که نوزدهمین شورای جهانی کلیسای کاتولیک تلقی می‌شود، در واکنش به نهضت اصلاح دینی به‌ویژه اظهارات لوتر، بارها این مسأله را تکرار نمود که کسی نباید به امید تنها و مثبت‌اندیشی بدون تلاش، دلخوش کند و گمان نماید که تنها با امید و ایمان محض، به میراث خواهد رسید. گویی انجیل وعده محض و مطلق زندگی ابدی، بدون شرط رعایت احکام بوده است (تونی لین، ۱۳۸۶: ۳۶۸-۳۷۲).

مارتین لینگر ایمان و امید و محبت را سه حالت متفاوت میل و دلبستگی انسان به عالم دیگر، جهان آخرت می‌داند و در این میان برای امید، نقش ویژه‌ای قائل است. در اندیشه او، فضیلت امید بدین معناست که زندگی انسان را سفری بدانیم که به (حقیقت) نامتناهی و رضایت‌مندی

گردیده است و قرآن، این نسخه شفابخش الهی (یونس: ۵۷)، بارها از طریق توصیف رحمت الهی (زمر: ۵۳)، بشارت به بخشیدن گناهان (آل عمران: ۱۳۵) یا مژده ورود به بهشت (زمر: ۷۴-۷۳)، شرح جلوه‌های بهشتی (محمد: ۱۵) انسان را به مثبت‌اندیشی ترغیب و تشویق نموده است. تفکر در قصه‌های قرآن، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که یکی از اهداف بیان این قصه‌ها، القای نگرش مثبت و تحکیم روح امید در دل اهل ایمان بوده است «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ» (هود: ۱۲۰) و خداوند از طریق بیان زندگی این انسان‌های نمونه، که مظهر کامل و تام اسمای نیکوی الهی می‌باشند (منتهی الرجایا)، به پرورش روحیه امید و تقویت آن در سایر افراد بشر می‌پردازد. البته امیدبخشی قرآن کریم تنها در دایره دنیا محدود نمی‌شود؛ بلکه آخرت آدمی را نیز فرامی‌گیرد. بشارت به بهشت، امیدی است که قرآن کریم برای زندگی جاودان آخرت مطرح می‌سازد و با بیان جزئیات آن، شوق مؤمنان را برای رسیدن به آن بیشتر می‌کند (توبه: ۲۲-۲۱). اگر از دوزخ هم سخن به میان آمده، برای آن است که انسان‌ها برای رسیدن به بهشت تلاش کنند و زاد و توشه لازم را برای سفر آخرت فراهم آورند. قرآن کریم برای آن که تیرگی‌آس و منفی‌نگری را از دل مؤمنان بزدايد از زبان پیامبر بزرگی چون یعقوب (ع) می‌فرماید: «وَلَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷).

اما زیر بنای امید و مفهوم مثبت‌اندیشی در قرآن کریم در ارتباط با الله است. از دیگر سو امید نیز، در راستای تکامل انسان است که این تکامل از منظر قرآن، به سوی خلیفه‌اللهی و جانشینی خدا در روی زمین است «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، از این رو امید واقعی نیز، در راستای تجلی این صفت الهی نهاده شده، در وجود بشر می‌باشد و آدمی موظف است

در راستای دستیابی به این امید راستین، به سایر امیدها و اهداف خویش (دنیوی) روی آورد. تنها در این صورت است که در این دنیای وحشت‌زا و هراس‌انگیز امروز و در کشاکش عوامل و موانع فراوان شیطانی و نفسانی، آرامش واقعی پدیدمی‌آید و حیات واقعی، محقق و راه رسیدن به تکامل سهل و آسان می‌گردد.

یکی از متعلقات امید در قرآن، امید به برخوردارگی از رحمت الهی است. پیامبران، اولیای خدا و مجاهدان در راه حق، همواره به رحمت الهی چشم امید دوخته‌اند «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره: ۲۱۸)، چراکه خداوند خیر محض و فیاض‌علی‌الاطلاق است و گستره رحمت او وسیله‌ای برای نجات و رستگاری انسان است. به همین دلیل بارها سفارش کرده که از رحمت او ناامید نشوید «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۳۹) و همواره در انتظار آن باشید، چراکه رحمت خداوند از تمامی آنچه که انسان‌ها برای خود جمع می‌کنند برتر و بالاتر است «لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (آل عمران: ۱۵۷) و تنها گمراهان و کافران از رحمت او ناامیدند «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶) که بدون تردید، چنین افرادی عذابی دردناک در انتظارشان است (عنکبوت: ۲۳). خداوند مؤمنان را با صفت امیدواری به رحمت خود می‌ستاید و ناامیدی از رحمت خدا را به کافران نسبت می‌دهد (یوسف: ۸۷).

یکی دیگر از متعلقات امید در قرآن، آرزوهای موهوم و خیالی است که در پرتو انداختن آدمی در گرداب لذات دنیوی، مانع رسیدن او به کمال می‌شوند. خداوند سبحان در سوره هود به ذکر گوشه‌ای از این آرزوها پرداخته و با بیان سرانجام ایشان، آدمی را از داشتن آن منع می‌کند «قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهِنُنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ

مُرِيب» (هود: ۶۲) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹، ۱۵۵).

به‌طور کلی امید در قرآن کریم تنها در برخی موارد در دایره دنیا محدود می‌شود و در بیشتر مواقع، آخرت آدمی را فرا می‌گیرد. از این رو بر اساس آفات آن، دارای مراتبی است که پایین‌ترین آن، رجای نفسانی است و کسانی که نسبت معرفتی‌شان به خداوند بسیار ضعیف است در این مرحله و مرتبه قرار دارند. درخواست‌های ایشان نیز زاهدانه و از خدا جز مناصب دنیویا شهوات نفسانی نمی‌خواهند و اگر درخواستی داشته باشند از بهشت و رهایی از دوزخ تجاوز نمی‌کند، اما کسانی که خداوند سبحان را به عظمت شناخته‌اند، سوز آنان از فراق اوست. آنچه در آنان نمود دارد، شوق لقای خدا و رجای دیدار اوست.

بنابراین با توجه به موارد گفته شده، می‌توان به این نکته دست‌یافت که گرچه مفهوم مثبت‌اندیشی در قرآن کریم به‌واسطه کلید واژه امید بیان شده و امید نیز در قرآن کریم، ماهیتی مثبت و پسندیده دارد؛ اما از آن‌جا که عوامل پدیدآورنده آن (متعلقات) و موانع به هم زننده آن، ممکن است ماهیتی حقیقی و یا کاذب داشته باشند، می‌توان به تقسیم آن به صورت زیر پرداخت:

(۱) امید مطلوب، صادق و حقیقی: این نوع، مربوط به اموری است که در جهت رضای الهی و هماهنگی با واقعیت وجودی انسان است و به دو گونه در قرآن مطرح گردیده: امید به آخرت و برخورداری از رحمت الهی «عموم مؤمنان، به آخرت و رحمت الهی امید دارند» (بقره: ۲۱۸) و امید به لقای خدا «مؤمنان خاص و انسان‌های کامل، امیدشان به لقای الهی است» (کهف: ۱۱۰).

(۲) امید نامطلوب، کاذب و مجازی: این نوع مربوط به اموری است که رضای الهی در آن لحاظ نمی‌گردد و

حاصل وسوسه‌های نفس یا القانات شیطان است. اموری همچون آرزوها و تصورات موهوم دنیوی (هود: ۶۲؛ نور: ۶۰).

اما قرآن کریم جهت القای امید مطلوب و صادق و به‌طور کلی تقویت و غنی‌نمودن نگرش امیدوارانه آدمی، راهکارهایی را نیز ارائه نموده که به‌طور مختصر بیان می‌گردند:

۳-۱. امید و راهکارهای پیدایش و تقویت آن در آموزه‌های قرآن کریم

یکی از راهکارهای قرآن کریم جهت ایجاد و تقویت نگرش امیدراستین و مثبت‌اندیشی صادق در آدمی، القای انرژی روانی لازم برای تعقیب هدف، است. به‌دیگر بیان، اگر برای دستیابی به هدفی مشخص، انرژی روانی نیرومندی وجود داشته‌باشد، شرایط مناسبی به‌وجود خواهد آمد تا انسان در تلاش برای بدست‌آوردن راه‌های درستی برای وصول به هدف برآید. این انرژی روانی (باور به این‌که من می‌توانم با توکل بر خداوند کاری را انجام دهم) در قرآن، ایمان و اعتقاد کامل به خداوند است. قرآن درباره افرادی که به خداوند ایمان کامل داشتند و از دشمنان نهراسیدند، می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳) و افزودن هدایت به سبب داشتن روحیه معنوی ایشان است و خداوند در قرآن، بارها مؤمنان را به روح الهی تایید کرده است (مجادله: ۲۲).

نکته حائز اهمیت، طبق آیات قرآن، این است که آدمی هیچ‌گاه نباید از رحمت الهی و امدادهای غیبی او ناامید و مأیوس گردد «وَلَا تَأْسُؤْا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ: و از رحمت خدا نومید مباشید» (یوسف: ۸۷). در آیهی فوق، «روح» به فتح راء و سکون واو، به معنای رحمت، فرج و گشایش کار است و روحی که منسوب به خداست، همان فرج بعد از شدت است که به اذن خدا و مشیت او صورت

می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۱، ۲۳۵). به دیگر بیان، طبق آیات قرآن کریم، همواره راه‌ها و گذرگاه‌ها، باز و متعدداست و بسته‌انگاشتن آن‌ها که نوعی ناامیدی از رحمت الهی محسوب می‌گردد، از زمره بزرگ‌ترین گناهان است «وَمَنْ يَقْطَعْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶). به همین دلیل انسانی که معتقد به نیروی فراتر از ماده باشد، هیچ‌گاه از دست‌دادن چیزی از امور دنیوی و حتی مسدود شدن راه‌های دستیابی به هدف، او را افسرده و غمگین نمی‌کند، بلکه با اتکا بر نیروی صبر و توکل، حالت تهاجم بیشتری نسبت به مشکلات به خود می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷، ۳۹۰-۳۸۹) و با تأمل و تعقل به سوی تلاش برای یافتن سایر گذرگاه‌های رسیدن به هدف جهت‌گیری می‌کند «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَّا تَحْزَنُوا وَ أُبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰). به همین دلیل کار ایشان به جایی می‌رسد که در پرتو ایمان و استقامت، فرشتگان بر او نازل می‌گردند و پیام الهی را که سراسر لطف و مرحمت است به او اعلام می‌دارند (همان: ۴۱ و ۳۰).

همچنین در قرآن کریم، خداوند سبحان هم از انگیزش مثبت (رجا) سخن گفته و هم از انگیزش منفی (خوف). بدین معنا که در جریان فراخوانی مردم به سوی گانه‌پرستی و توحید، جهت تربیت معنوی انسان و افزایش امید و رفع پریشانی او، در امر برانگیختن انگیزه، تنها بر تشویق مردم به بهره‌بردن از نعمت‌های بهشتی تکیه نمی‌کند (انگیزش مثبت یا رجا)، بلکه همزمان با آن، بر امر ترساندن مردم از عذاب دردناک آتش دوزخ نیز، تکیه می‌کند (انگیزش منفی یا خوف). آیات دالّ بر انگیزش مثبت که نعمت‌های بهشتی را توصیف می‌کند، امید به دستیابی به این نعمت‌ها را در مسلمانان برمی‌انگیزد و آن‌ها را به انجام کارهایی که موجب

خشنودی خدا و پیامبرش می‌شود، وامی‌دارد به آن امید که در زمره بهشتیان قرارگیرند. آیاتی که عذاب دوزخ را توصیف می‌کند، ترس از این عذاب دردناک را که در انتظار کافران و منافقان و متمردان از اوامر خداوند متعال است، در آنان برمی‌انگیزد و همین مسئله آن‌ها را به پرهیز از ارتکاب معاصی و گناهان و هر آنچه که موجب خشم خدا و رسول او می‌شود، وامی‌دارد، به آن امید که خداوند، ایشان را از عذاب دوزخ رهایی بخشد. بنابراین احساس این دو انگیزه‌ی نیرومند که مکمل یکدیگر هستند و در هدف نیز هماهنگ با هم می‌باشند، انسان را در آمادگی کامل برای اطاعت همه جانبه از خدا و پیامبر و دادن پاسخ مثبت به همه‌ی تکالیف و مسئولیت‌هایی که از او خواسته شده، نگه می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸، ۱۶۰). از این‌رو، این آمیزه‌ی ترس و امید، خود ضامن بیدار کردن انگیزه‌ی نیرومند در مسلمانان است تا به هدف اصلی خود نائل شوند. به همین دلیل در آیات قرآن، دو واژه‌ی خوف و رجا در کنار یکدیگر قرار گرفته اند «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا» (اعراف: ۵۶).

یکی دیگر از شیوه‌های تربیتی قرآن جهت تقویت امید انسان، تأسی و اقتدا به اسوه‌های قرآنی است «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ» (ممتحنه: ۶)، چراکه آدمی برای دست‌یابی به مطلوب خود، باید به دنبال الگو و نمونه‌ای باشد تا امید به آینده، امیدی واقعی و سرشار از حقیقت جلوه کند که از این میان انبیا و اولیای الهی که انسان‌های کامل به‌شمار می‌روند، مصداق بهترین الگو شمرده می‌شوند «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ» (انعام: ۹۰). هر کدام از ویژگی‌های شخصیتی این بزرگواران، می‌تواند سبب تقویت امید آدمی گردد و نگرش مثبت او را نسبت به آینده غنی نماید. بعد از ایشان نیز، آدمی به الگوگیری از امامان و ائمه معصوم (ع) (گرچه

همچنین از منظر قرآن‌کریم، امید، از چنان جایگاهی برخوردار است که نقطه‌ی مقابل آن، یعنی یأس و ناامیدی از جمله گناهان کبیره شمرده شده است، چراکه یأس از رحمت خداوند، در حقیقت محدود کردن قدرت و پنهان کردن احاطه و وسعت رحمت اوست. قرآن‌کریم به‌عنوان تنها منبع و حیانی مورد اعتماد، با نگاهی جامع به انسان و نیازهای او و ظرفیت وجودیش، عواملی همچون احساس گناه، کم‌ظرفیتی و فقدان شرح‌صدر و غیره را از جمله موارد مهم جهت منفی‌نگری و کاهش روح امید در آدمی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰، ۱۵۷). چنین انسانی، احساس می‌کند که تمام‌پیل‌های پشت سر خویش را خراب کرده و هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. از این‌رو انگیزه‌ی خود را برای جبران از دست می‌دهد و با تصور این‌که راهی برای مبارزه با مشکل نیست و آینده‌ای مبهم و تاریک در انتظار وی است، به گرداب یأس و افسردگی روانی می‌افتد و در سرراشویی سقوط و غرق شدن پیش می‌رود «وَمَنْ يَنْقُطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶). از این‌رو برای جلوگیری از ایجاد افسردگی، چنین می‌فرماید: مؤمنان کسانی هستند که هر گاه مصیبتی به آنان برسد، متوجه خداوند شده و می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) و بدین ترتیب با بیان و القاء این دستورالعمل، انسان مصیبت‌زده را از افتادن به ورطه‌ی اضطراب و افسردگی نجات می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱، ۳۵۳). در صورت بروز اضطراب نیز، با بیان «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) او را به آرامش و دور شدن از اضطراب دعوت می‌کند. به‌همین دلیل شخصی که معتقد به نیرویی فراتر از ماده باشد، هیچ‌گاه از دست‌دادن چیزی از امور دنیوی او را افسرده و غمگین نمی‌کند.

بنابراین طبق موارد فوق، می‌توان بدین نکته راه یافت که قرآن‌کریم، علاوه بر ارائه راهکارهایی اعتقادی جهت القای نگرش امیدوارانه در آدمی (امید به خالق یکتا و ایمان

پیامبر نیستند، اما حضوری پیامبرگونه دارند) سفارش شده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۵۸).

از سویی دیگر، از منظر قرآن‌کریم، پیروان ادیان الهی براساس داده‌های کتب آسمانی، معتقد به ظهور منجی انسان‌ها بوده و جهان را به‌سوی صلح و صفا در حرکت می‌بینند و به فرارسیدن روزی امید دارند که متقیان و صالحان بر دنیا حکومت کنند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا: ۱۰۵). در این راستا شیعه با الهام و الگوگیری از تعالیم نورانی معصومین (ع)، به فرا رسیدن روزی امیدوار است که جهان با ظهور حضرت قائم (عج) از ظلم و بیداد رهایی یافته و از عدل و داد پرشود؛ زمین، برکات خود را ظاهر کند و تهیدستی یافت نشود و این، همان تحقق معنای سخن خداوند است که عاقبت از آن متقیان است (قصص: ۸۳) چنان‌که باطل از بین‌رفتنی و حق پایدار و ثابت است (رعد: ۱۷). بی‌گمان ترسیم چنان آینده‌ای روشن، تلاش مؤمنان را در وصول به آن افزون می‌کند و هیچ‌گاه نخواهد گذاشت بارقه امید در دل‌های شیعیان خاموش گردد. در حقیقت آنان که دل به این انتظار راستین سپرده و قلبی مملو از امید به ظهور امام زمان دارند، می‌دانند که دیریا زود، صالحان حاکمان زمین خواهند بود، حق به صاحبانش بازمی‌گردد و با محو ستم و بیداد، امر جامعه اصلاح و سامان می‌پذیرد، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، خویشتن را اصلاح نموده و در اصلاح جامعه خود نیز، می‌کوشند تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورند. بر همین اساس، آن‌که امیدوار حقیقی و منتظر راستین است، هم صالح است و هم مصلح. چنین کسی با اقتدا به دعای مولای خویش، از خدای سبحان چنین می‌خواهد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا التَّفَاقُقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

نوشتار نیز هست)؛ در ارتباط با خداوند است، یعنی در رسیدن انسان به خداوند و غرق شدن در عبودیت و پرستش او نهفته؛ بنابراین امید واقعی و مثبت‌اندیشی حقیقی با ایمان به خداوند و عشق به او در آدمی ایجاد و به واسطه رحمت الهی و تجلی صفات او در بشر تقویت می‌گردد. همچنین در پرتو شناخت هدف اصلی زندگانی و آشنایی با افکار مانع و مخرب و مبارزه با آمال و آرزوهای واهی می‌توان به حفظ و ابقای آن امیدوار بود. البته هرکدام از ادیان اسلام و مسیحیت، راه و روش مخصوصی را برای القا و تحکیم روح مثبت‌اندیشی و امیدوار نمودن آدمی ارائه داده‌اند.

از منظر قرآن کریم، وحی و دین برای ایجاد امید در بشر آمده تا به تکامل روحی- جسمی و سعادت دنیوی و اخروی او کمک نمایند. این امید توسط ایمان و عمل صالح و همچنین پرهیز از ارتکاب معاصی (توبه: ۹ و ۷۱) محقق می‌شود، چراکه از منظر قرآن، امید حقیقی و مثبت‌اندیشی واقعی آن است که آدمی را به سوی تلاش و حرکت سوق دهد. بدین وسیله آدمی، محل ظهور اسمای الهی شده و به امید حقیقی و راستین، یعنی منزل گزیدن در جوار قرب ربوبی، نائل می‌گردد. سایر اهداف (اهداف دنیوی) نیز باید در راستای نیل به این هدف اصیل باشند.

از دیدگاه اناجیل سه‌گانه و نیز آیات قرآن کریم، آدمی می‌تواند امیدوار باشد که به واسطه ایمان به خداوند و پیروی از شریعت و اطاعت محض از نبی خدا، به حیات جاودان و آرامش ابدی نائل گردد. با این تفاوت که قرآن کریم، از حیات اخروی بسیار سخن گفته و مؤمنان را امیدوار می‌سازد که در زندگانی اخروی هیچ یک از اعمال نیک دنیوی ایشان از صفحه هستی پاک نمی‌شود (غافر: ۳۹) اما در اناجیل سه‌گانه، از حیات جاودان با نام ملکوت تعبیر شده که دارای معانی گوناگون و متعلقات بسیاری است، اما چون حقیقتی روحانی است که تنها به واسطه

به او (اصل توحید) (نسا: ۱۰۴)، امید به برخورداری از رحمت الهی در جوار او و نیز لقای او به واسطه عبور از جهان مادی (اصل معاد) (کهف: ۱۱۰) و الگوگیری از انبیا و اولیای الهی و امید به رسیدن منجی (اصل نبوت و امامت) (جاثیه: ۲۶))، به ارائه راهکارهایی رفتاری، چه در حوزه فرد و چه در حوزه اجتماع، جهت تقویت و تحکیم روح امید در خود و جامعه نیز پراخته است. اموری همچون تلاوت آیات قرآن و و انس با آن (فاطر: ۲۹)، اقامه نماز (همان)، تهجد و شب زنده‌داری (زمر: ۹)، زکات (بقره: ۴۳)، انفاق (فاطر: ۲۹)، هجرت و جهاد در راه خدا (بقره: ۲۱۸) و به‌طور کلی انجام کلیه اعمال صالح و خداپسند (کهف: ۱۱۰) به این مهم اشاره دارند که جهت جلوگیری از اطاله کلام، تنها به ذکر آن‌ها اکتفا گردید. همچنین قرآن کریم به‌عنوان کامل‌ترین کتاب الهی، شاخصه‌هایی برای شناخت امید حقیقی و مثبت‌اندیشی واقعی از امید کاذب و مثبت‌اندیشی دروغین ارائه نموده که به‌طور مختصر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: انگیزه الهی و خدایی (کهف: ۱۱۰)، همراهی با عمل صالح (فاطر: ۲۹)، همراه بودن با خوف (اسرا: ۵۷) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳، ۴۰۵) که در خلال مطالب فوق، به هرکدام از این موارد، اشاره شد.

بنابراین توجه به آیات قرآن کریم، می‌تواند امید حقیقی را در آدمی ایجاد و به واسطه ایجاد مطلوب‌اندیشی صادق، او را در مسیر تربیت حقیقی و واقعی خویش قرار دهد.

نتیجه

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان بدین نتیجه رسید که مفهوم مثبت‌اندیشی در ادیان توحیدی اسلام و مسیحیت از راه کلیدواژه امید قابل پیگیری است؛ البته امید نیز، خود دارای دو نوع مطلوب و نامطلوب بوده که تنها نوع مطلوب آن (یعنی امید صادق و حقیقی که مدنظر این

- ایمان، می‌توان بدان رسید، از این‌رو، تنها بخشی از آن، واقع در عالم غیب است.
- در تفکرات یوحنا، مسیح سرچشمه امید و علت اصلی مثبت‌اندیشی آدمی است. ملکوت، از آن مسیح است و امیدِ ایمان داران به او، به واسطه واقعه رستاخیزاوست.
- از منظر پولس نیز، امید به دنبال انگاره سقوط بشر و مفهوم فدا و رستاخیز مسیح ایجاد شد. در نتیجه‌ی این عمل مسیح، ایمان‌داران به او، می‌توانند امید داشته‌باشند که در برکات زندگی جاوید شرکت نمایند. مشوق و محرک این امید نیز، یادآوری محبت مسیح به انسان‌هاست. بنابراین در نگاه پولس، امید به معنای صبر و انتظاراست. این تفکر او، تفاسیر و دیدگاه‌های مختلفی را در مسیحیت به دنبال داشت که از این میان، آگوستین هم نظر با وی بود. به‌طورکلی در مسیحیت، گرچه عیسی (ع) نقشی محوری در ایجاد و تحکیم مثبت‌اندیشی حقیقی آدمی دارد؛ اما این آموزه در کنار اعمال نیک، دیدگاه‌های متفاوتی را در میان طرفداران عیسی ایجاد نموده است؛ درحالی‌که در قرآن‌کریم، در کنار ایمان و عمل‌صالح و انجام دستورات شریعت، ایمان به تمام انبیا و تبعیت محض از پیامبر(ص)؛ راه القا، تقویت و نیز بقای روح امید و نگرش امیدوارانه‌آدمی است که در دیدگاه شیعه این ولایت و محبت، با حبّ و ولایت امامان شیعه ادامه‌می‌یابد.

منابع

- قرآن کریم.
- ترجمه کتاب مقدس شامل عهدقدیم و عهدجدید(۱۹۹۵ م)، انگلستان، انجمن بین‌المللی کتاب مقدس .
- ابن منظور، محمد بن مکرم(۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ابوفارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا(۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغه، دمشق، مکتب الاعلام الاسلامی.
- استراترن، فیلیپ(۱۳۸۵)، الهیات امید، ترجمه: مسعود فریامش، داتره المعارف راتلج: تهران، روزنامه جوان.
- استید، کریستینفر(۱۳۸۰)، فلسفه در مسیحیت باستان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مرکز مطالعه و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- الامیرکانی، جیمس انس(۱۸۸۸م)، نظام التعليم فی علم اللاهوت القویم، بیروت، مطبعه الامیرکانی.
- آزادیان، مصطفی(۱۳۸۳)، «نقش خداوند در رستگاری انسان از نظرگاه اسلام و مسیحیت»، مجله معرفت، ش ۷۸.
- آزادیان، مصطفی(۱۳۸۴)، (ایمان؛ مقایسه تطبیقی بین اسلام و مسیحیت)، مجله معرفت، ش ۸۸، صص ۱۱-۱۵.
- باربور، ایان(۱۳۶۲)، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بارکلی، ولیم(بی‌تا)، تفسیر عهد جدید، دارالتالیف و نشر کلیسا و مجمع کلیسای شرق‌الادنی.
- براون، کالین(۱۳۷۵)، فلسفه و ایمان مسیحی، طاطه وس میکایلیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلوخ، ارنست(۱۳۹۰)، دیالکتیک و امید، ترجمه: نادر فتوره‌چی، تهران، انتشارات رشد.
- بولتمان، رودلف(۱۳۸۰)، مسیح و اساطیر، ترجمه: مسعودعلیا، تهران، بی‌نا.
- پلانتینجا، الوین(۱۳۸۱)، عقل و ایمان، ترجمه: بهناز صفری، قم، اشراق.
- تیسین، هنری(بی‌تا)، الهیات مسیحی، ترجمه: ط. میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی.
- تونی لین(۱۳۸۶)، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه: روبرت آسریان، تهران، نشر و پژوهش فرزانه، چاپ سوم .
- جوادی‌آملی، عبدالله(۱۳۸۸)، موجود موعود، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
- خاچیکی، سارو(۱۹۸۲م)، اصول مسیحیت، تهران، انتشارات حیات ابدی، چاپ دوم.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ق)، اطیبالبیان، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- عامری، سامی (۲۰۰۷م)، محمد صلی الله علیه و سلم فی الکتب المقدسه، قاهره، دار النافذه.
- فرلای، هارولد (۱۳۶۱)، خلقت تازه، ترجمه: مهرداد فاتحی، تهران، انتشارات آفتاب عدالت.
- لیون دوفر الیسوعی، کنزافیه (۱۹۸۶)، معجم اللاهوت الکتابی، بیروت، دارالمشرق.
- محمدیاسین، محمد (بی تا)، حقیقه ملکوت الله فی الکتب المقدس.
- مسترهاکس (۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مفتاح، احمد رضا (۱۳۸۵)، «مفهوم آمرزیدگی ازراه ایمان»، مجله هفت آسمان، ش ۳۰، صص ۳۰-۵۳.
- مک گراث، آلیستر (۱۳۸۴)، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه: بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
- مبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ق)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- میلر، ویلیام (۱۳۱۹)، تفسیر انجیلیوحننا، تهران، چاپخانه بروخیم.
- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۳ق)، جامع السعادات، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- واطسون، اندراس و سعید، ابراهیم (۱۲۹۸ق)، شرح اصول الایمان، قاهره، دارالتقافه، چاپ چهارم.
- هامفری، کارپنتر (۱۳۷۴)، عیسی، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، طرح نو.
- هوردن، ویلیام (۱۳۶۸)، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه: طاطه وس میکایلین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- هورن، چارلز (۱۳۶۱)، نجات شناسی، ترجمه: سارو خاچیکی، تهران، انتشارات آفتاب عدالت.